

## آیا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بر خلافت ابوبکر و عمر بشارت داده است ؟

### توضیح سؤال :

آیا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بر خلافت ابوبکر و عمر بشارت داده است ؟  
فی تفسیر القمی علی بن ابراهیم قبحه الله فی سبب نزول قوله تعالی (یا ایها النبی لم تحرم ما أحل الله لك تبغی مرضات أزواجك والله غفور رحیم) (التحریم: 1) " أن رسول الله صلی الله علیه و آله كان فی بعض بیوت نساءه وكانت ماریة القبطیة تكون معه تخدمه وكان ذات یوم فی بیت حفصة فذهبت حفصة فی حاجة لها فتناول رسول الله ماریة ، فعلمت حفصة بذلك فغضبت وأقبلت علی رسول الله صلی الله علیه و آله وقالت یا رسول الله هذا فی یومی و فی داری و علی فراشی فاستحیا رسول الله منها ، فقال کفی فقد حرمت ماریة علی نفسی ولا أطأها بعد هذا أبداً وأنا أفضی إلیک سراً فان أنت أخبرت به فعلیک لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعین فقالت نعم ما هو ؟ فقال إن أبا بکر یلی الخلافة بعدی ثم من بعده أبوک ... الخ " تفسیر القمی  
این آیات به این جهت نازل شد که رسول خدا(ص) در خانه همسرش حفصه دختر عمر بود و همسر دیگر پیامبر بنام ماریه نزد آن حضرت بود حفصه از این واقعه ناراحت شد و به رسول خدا اعتراض کرد و گفت: امروز متعلق به من بود و اینجا هم خانه من است. پیامبر خجالت کشید و فرمود: آرام باش ماریه را بر خودم حرام کردم. می خواهم مطلبی را بگویم که نباید آن را افشا کنی و به کسی دیگر بگویی. و بدانکه اگر آن را افشا کنی به لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم گرفتار خواهی شد. حفصه پذیرفت و قول داد که سر پیامبر را افشا نکند. فرمود: پس از من ابو بکر و سپس پدرت عمر خلافت را بدست خواهند گرفت. حفصه پرسید: چه کسی این خبر را به تو داده است. فرمود: خدا اینگونه به من خبر داده است. حفصه همان لحظه به عائشه خبر داد و او به پدرش ابوبکر. ابوبکر نزد عمر آمد و گفت: عائشه سخنی از زبان حفصه و او از پیغمبر نقل کرد که من اعتماد به حرف او ندارم تو خودت از حفصه سوال کن.  
عمر نزد دخترش حفصه آمد و جریان را مطرح کرد. ابتدا حفصه انکار کرد اما با اصرار عمر خبر را تایید کرد.

### پاسخ :

آنچه ملاحظه کردید مطلبی بود که در آغاز سوره تحریم آمده است و دست آویز بدخواهان مکتب اهل بیت شده است و از آن به نفع مرام و مذهب خویش بهره برداری می کنند .  
در توضیح این نقل لازم می دانیم ابتدا توضیحی کوتاه پیرامون این تفسیر علی بن ابراهیم تقدیم نمایم سپس به بررسی مطلب مورد استفاده بپردازیم:  
الف - اهل تحقیق و خواننده منصف با بررسی همه مطالب این کتاب در می یابد که این کتاب از آغاز تا انجام به خامه و قلم شخص علی بن ابراهیم نیست بلکه املائی او با نبشتاری شاگردش ابو الفضل عباس بن محمد بن قاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر(ع) است . و لذا با توجه به کلمات موجود در برخی از صفحات از قبیل : رجع الی تفسیر علی بن ابراهیم. و یا رجع الی روایة علی بن ابراهیم نشاندهنده اضافاتی از طرف شاگرد و نویسنده است.  
علاوه بر این نقل روایاتی از ابو الجارود از امام باقر (ع) دلیلی دیگر بر تصرف شاگرد در محتوا و منقولات کتاب است.  
ب - علما و اندیشمندان شیعه اعم از محدث و رجالی . شخص علی بن ابراهیم را از بزرگان و دانشمندان مورد اعتماد دانسته و احادیث نقل شده توسط وی را پذیرفته و وثاقت او را در نقل حدیث در حد بالای می دانند.  
بنا بر این احادیثی که در این کتاب به املائی شخص علی بن ابراهیم از معصومین (ع) آمده است مورد پذیرش و قبول اکثر

محدثان و ارباب رجال می باشد . اگر چه برخی از آنان بر بعضی از روایات آن نقد و ایرادهایی وارد می دانند.

ج - جدای از احادیث نقل شده در این کتاب مطالبی بدون استناد به معصوم ذکر شده است که از آن جمله موارد شان نزول بعضی از سوره ها و آیات قرآن کریم است.

اینگونه مطالب و سخنان که به صورت عادی ثبت شده است هیچگاه نمی توان آن را بعنوان مطالب صد در صد دقیق و پذیرفته شده مورد استناد قرار داد و با قواعد و اصول نقد و تحلیل حدیث آنرا ارزیابی نمود.

با توجه به نکات فوق الذکر در پاسخ استدلال به شان نزول سوره تحریم به نقل از تفسیر قمی باید گفت: آنچه که از این تفسیر شریف نقل شده است کلام و سخن معصوم نیست بلکه نقلی است بدون استناد که نویسنده تفسیر کشاف نیز آن را نقل کرده است .

روي " أن رسول الله صلى الله عليه وسلم خلا بمارية في يوم عائشة ، وعلمت بذلك حفصة فقال لها : اکتمي علي وقد حرمت مارية علي نفسي ، وأبشرك أن أبا بكر وعمر يملكان بعد أمر أمتي.

### الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل - الزمخشري - ج ٤ - شرح ص ١٢٤ - ١٢٩

برخی از علمای اهل سنت به استناد مطلبی که در تفسیر قمی آمده، می گویند: که پیامبر گرامی (ص) به خلافت ابوبکر و عمر بشارت داده است.

در این روایت چند اشکال اساسی وجود دارد:

1- مرسل است ؛ چون مرحوم قمی برای سخنش سندی ذکر نکرده تا بررسی شود که آیا صحیح است یا ضعیف .

2- عدم انتساب آن به معصوم:

مضمون آن به معصوم نسبت داده نشده ، بلکه قمی به عنوان شأن نزول ذکر کرده است .

3 . هیچ مزده ای داده نشده است :

در متن سخن هیچ گونه مزده و بشارتی به خلافت ابوبکر و عمر داده نشده (فقط در نقل کشاف به شکل بشارت است)؛ بلکه

پیامبر اکرم (ص) به حفصه فرمود: «وَأَنَا أَفْضَى إِلَيْكَ سَرًّا» یعنی خبری سری و غیبی، نسبت به آینده به تو می گویم.

این خبر سری همانند صدها اخبار غیبی حضرت نسبت به آینده است همانند اخبار از دولت شوم بنی امیه که به دنبال خوابی که حضرت دیده بود و مایه نگرانی او شده بود این آیه شریفه نازل شد:

(وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا) .

الإسراء: 60.

ما آن رؤیایی را که به تو نشان دایم فقط برای آزمایش مردم بود- و همچنین درخت نفرین شده را که در قرآن ذکر کرده ایم

و ما آن ها را بیم داده و انداز می کنیم- اما جز طغیان عظیم- چیزی بر آن ها نمی افزاید.

امام قرطبی در تفسیر خود آورده :

قال سهل: إنما هذه الرؤيا هي أن رسول الله (ص) كان يري بني أمية ينزون علي منبره نزو القردة فاغتم لذلك وما استجمع

ضاحكا من يومئذ حتي مات (ص) ، فنزلت هذه الآية مخبرة أن ذلك من تملكهم وعودهم يجعلها الله فتنة للناس وامتحانا .

پیامبر گرامی (ص) در خواب دیده بود که بنی امیه همانند بوزینگان از منبر او بالا می روند، به دنبال این خواب حضرت غمناک شد و تا آخر عمر، لب به خنده نگشود، آنگاه این آیه نازل شد و از سلطنت بنی امیه و بالا رفتن آنان خبر داد و همین مایه فتنه و آزمایش مردم قرار گرفت.

همچنین خبر دادن حضرت که حکومت اسلامی پس از سی سال خلافت، به سلطنت ظالمانه تبدیل خواهد شد .  
ابن حجر در این خصوص می نویسد :

أخرجه أحمد وأصحاب السنن وصححه ابن حبان وغيره من حديث سفينة أن النبي (ص) قال الخلافة بعدي ثلاثون سنة ثم تصير ملكا عضوا .

#### فتح الباری ابن حجر ج 8 ص 61 .

أحمد بن حنبل و صاحبان سنن و ابن حبان با سند صحیح نقل کرده که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:  
دوران خلافت پس از من، سی سال است و آن گاه به پادشاهی سخت و گزنده مبدل خواهد شد.

پس بر فرض صحت نقل، مضمون آن فقط نشانگر پیشگویی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از واقع شدن اتفاقی در آینده است نه یک بشارت.

4. چرا علنی بیان نکرد ؟

اگر خلافت ابوبکر و عمر حق بود، می بایست پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم آن را به صورت علنی بیان می فرمود و نیازی نبود که آن را به صورت خبری سرّی بیان کند .

5. حفصه ، ملعون خدا ، ملائکه و تمام مردم :

مضمون نقل تمام عقائد اهل سنت را باطل می کند ؛ زیرا در این نقل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حفصه فرمود:

فإن أنت أخبرت به فعليك لعنة الله والملائكة والناس أجمعين .

اگر این خبر غیبی و سری را که تو به می گویم، فاش سازی ، به لعنت خدا و ملائکه و تمامی مردم گرفتار خواهی شد .

آیا اهل سنت حاضر به پذیرفتن این مطلب نسبت به ام المؤمنین حفصه هستند ؟

6. ابوبکر به عایشه اعتماد ندارد :

وقتی که این خبر به گوش ابوبکر رسید، نزد عمر آمد و گفت:

إنّ عائشة أخبرتني عن حفصة بشئ ولا أتق بقولها، فاسأل أنت حفصة.

عائشه چنین خبری از حفصه نقل کرده ولی من به گفتار او اطمینان ندارم تو از حفصه سؤال کن.

این عبارت نشانگر عدم اعتماد ابوبکر به دختر خویش و متهم ساختن وی به دروغگویی است وقتی خود ابوبکر دختر خودش را بهتر از دیگران می شناسد ، و به او اعتماد ندارد ؛ پس چطور شما تمام روایات او را بدون چون و چرا قبول می کنید ؟

جالب این که فقط عمر قضیه را از حفصه می پرسد ، او نیز در آغاز انکار می کند و می گوید:

ما قلت لها من ذلك شيئاً .

چيزي در اين زمينه به عائشه نگفته يعني او دروغ مي گويد .

و پس از اصرار عمر ، حفصه مي گويد :

نعم قد قال رسول الله .

در اين عبارت حفصه نيز در ابتدا عائشه را به دروغگويي نسبت مي دهد ، و سپس به دروغ خود اعتراف مي کند ؟

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقيقاتی حضرت ولی عصر (عج)